فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی ششم، شماره‌ی ۳، زمستان ۹۶، صفحات ۱۳۷-۱۱۳

بازتاب مشارکت اجتماعی در گلستان سعدی

علی‌محمد سهراب‌نژاد[۱]، علی گراوند[۲]، یارمحمد قاسمی[۳]

تاریخ دریافت:۱۳۹٦/۰٤/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹٦/۰۹/۲۵

چکیده

یکی ازرویکردهای نوین جامعه‌شناسی «سرمایه‌ی‌اجتماعی» است و در سایر علوم نیز به آن توجّه شده، ارتباط، اساس این رویکرد است. ازآن به عنوان سرمایه‌ای در کنار سایر سرمایه‌ها(انسانی، مادّی، فیزیکی و ...) نام می‌برند. مؤلّفه‌های اصلی آن هنجارگرایی، اعتماد و مشارکت است. مفاهیم سرمایه‌ی اجتماعی را در نظرات اندیشمندان قدیم می‌توان یافت؛ از جمله سعدی که به سبب سفرهای متعدد با زندگی جوامع عصر خویش آشنایی داشته است. گلستان به عنوان اثری تعلیمی- اخلاقی گزارشگر جامعه‌ی واقعی روزگار سعدی است. این مقاله مؤلّفه‌ی مشارکت را در گلستان به شیوه‌ی اسنادی همراه با تحلیل محتوای کمّی و کیفی بررسی نموده و نشان داده از بین شاخص‌های مشارکت، مشارکت اجتماعی بالاترین بسامد را داشته و از نظر نوع مشارکت، مشارکت ابزاری که ردّپای انگیزه‌های شخصی و کسب منفعت در آن است، دارای بیشترین بسامد می‌باشد. مشارکت برمبنای تقسیم کار در جایگاه دوم و مشارکت درون‌سویه که در آن انتظار کمکِ متقابل هست، سومین نوع مشارکت است. بسامد این مشارکت‌ها با توجه به واقعیّت‌های پساهجوم غزنویان، سلجوقیان و مغولان که دنیای ویرانی مادی و معنوی زندگی اجتماعی ایرانیان است، طبیعی است.سپس مشارکت برون‌سویه و مشورتی نمود دارد. مشارکت بر اساس تقسیم کار دارای بسامد صفر است و این یافته با ویژگی‌های جامعه تمایز نیافته‌ی عصر سعدی همخوانی دارد.

واژه‌های کلیدی: سعدی، گلستان، جامعه‌شناسی، سرمایه‌ی اجتماعی، مشارکت اجتماعی.

[۱] دکترای زبان و ادبیات فارسی ، مدرس دانشگاه فرهنگیان (نویسنده مسئول) sohrabnejad2014@gmail.com

[۲] استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام agaravand89@gmail.com

[۳] دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه ایلام Ym_ghasemi2004@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

بیان مسأله

یکی از کانونی‌ترین موضوعات در جامعه‌شناسی، کنکاش پیرامون وضعیت اجتماعی و روابط اجتماعی است. مشارکت به عنوان یکی از مؤلّفه‌های پیش‌برنده‌ی توسعه، امروزه مورد توجه اندیشمندان اجتماعی قرار گرفته است؛ ادبیات می‌تواند در این زمینه چشم‌اندازهای مؤثری در اختیار ما بگذارد؛ بنابراین مطالعه‌ی مشارکت اجتماعی از منظر ادبیات به شناسایی گونه و پنداشت‌ها پیرامون انواع آن کمک می‌کند. مشارکت در زندگی اجتماعی علاوه بر اهمّیّت اقتصادی آن از نظر سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز دستاوردهایی دارد که عبارتند از:«سهیم‌کردن مردم در قدرت و اختیار، راه‌دادن مردم برای نظارت بر سرنوشت خویش و بازگشودن فرصت‌های پیشرفت به روی رده‌های زیرین جامعه و حاصل آن تسهیل و شنیدن صدای دیگران، احساس مالکیت-نمودن، نیرومند ساختن ناتوانان و درهم شکستن فرهنگ سکوت خواهد بود(ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۱۲).پاتنام[1] در مورد رابطه‌ی مشارکت و اعتماد به یک رابطه‌ی خطی معتقد نیست؛ بلکه به رابطه‌ی متقابل این عوامل توجّه دارد. «اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی متقابل، شبکه‌های مشارکت مدنی و همکاری موفّقیّت‌آمیز، متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند. وجود نهادهای همکاری‌جویانه‌ی کارآمد، مستلزم مهارت‌ها و اعتماد بین اشخاص است؛ امّا آن مهارت و این اعتماد نیز، به نوبه‌ی خود به وسیله‌ی همکاری سازمان‌یافته، تلقین و تقویت می‌شوند. هنجارها و شبکه‌های مشارکت مدنی به رفاه اقتصادی –اجتماعی کمک می‌کنند و به نوبه‌ی خود نیز توسط این رفاه تقویت می‌شوند»(زارع شاه‌آبادی و نوریان نجف، ۱۳۹۱: ٥٤). در جامعه‌ی ایران از دیرباز مشارکت به صور گوناگون وجود داشته است. مقاله‌ی حاضر در صدد آن است که مشارکت و انواع مختلف آن را درگلستان سعدی به عنوان اثر واقع‌گرایانه‌ی تعلیمی- اخلاقی بررسی نماید.

نماد و آینه‌ی میراث فرهنگی هر کشوری ادبیات آن کشور است. آثار ادبی هر ملّتی بیانگر ارزش‌ها، هنجارها، روابط فردی و اجتماعی جاری میان مردمان آن سرزمین است که به زندگی فردی و اجتماعی آنان سامان می‌دهد. گلستان سعدی یکی از آثار فاخر ادبی ملّت ماست که به عنوان میراثی ماندگار در طی قرون و اعصار در میان اقشار مختلف مردم این سرزمین در کنار بوستان برای تعلیم و تربیت نسل‌های مختلف کارساز بوده و نقش بسیار مهمّی در ارتقای کیفی زندگی اجتماعی ایرانیان داشته است.

[1] *Putnam*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

در حوزه‌ی جامعه‌شناسی یکی از رویکردهای جدید «سرمایه‌ی‌اجتماعی»[1]است که امروزه بسیار مورد توجّه صاحب‌نظران این رشته قرار گرفته و معتقدند که این سرمایه چون مربوط به تعاملات و روابط اجتماعی و همزیستی افراد جامعه است، مبنا و اساس سایر سرمایه‌هاست. سرمایه‌ی‌اجتماعی هرچند رویکردی جدیدی است و در طی چهار دهه‌ی گذشته مورد اهتمام واقع شده؛ امّا مصادیق آن در ذهن اندیشمندان اجتماعی گذشته‌ی ایران و جهان وجود داشته و می‌توان شاخص‌ها و مؤلّفه‌های آن را در نظریات اجتماعی گذشتگان مطالعه نمود. سعدی از آن‌جا که با جوامع مختلف در طی سفرهای متعدد آشنا شده و از نحوه‌ی زندگی و تعامل افراد این جوامع و فرهنگ و آداب و رسوم آنان آگاهی کسب نموده است به عنوان جامعه‌نگاری که به ظرافت‌های فرهنگی، اجتماعی و ادبی توجّه داشته، با علم به واقعیّت‌ها به بیان نظرات خویش پیرامون مناسبات و روابط اجتماعی و همزیستی افراد جامعه در کتاب گلستان پرداخته‌است. این پژوهش به دنبال آن است تا بررسی نماید که«مشارکت»[2]به عنوان یکی از سه مؤلّفه‌ی اصلی سرمایه‌ی‌اجتماعی در بوستان چه بازتابی دارد و سیر نمود انواع و شاخص‌های مشارکت در گلستان چگونه است؟

اهداف تحقیق

- **هدف کلی:**
- بررسی میزان بسامد مشارکت اجتماعی در گلستان سعدی.
- **اهداف فرعی:**
- بررسی میزان بسامد مشارکت درسطح همراهی در گلستان سعدی.
- بررسی میزان بسامد مشارکت در امور مذهبی در گلستان
- بررسی میزان بسامد مشارکت سازماندهی‌شده در گلستان
- بررسی میزان بسامد انسجام اجتماعی در گلستان
- بررسی میزان بسامد مشارکت مدنی در گلستان
- بررسی میزان بسامد مشارکت بر اساس تقسیم کار در گلستان
- بررسی میزان بسامد مشارکت درون‌سویه در گلستان

[1] *Social Capital*
[2] *participation*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

- بررسی میزان بسامد مشارکت برون‌سویه در گلستان
- بررسی میزان بسامد مشارکت اجباری در گلستان
- بررسی میزان بسامد مشارکت مشورتی در گلستان
- بررسی میزان بسامد مشارکت ابزاری در گلستان

چارچوب نظری پژوهش

از آنجا که سرمایه‌ی‌اجتماعی سبب کاهش هزینه‌ها و بالارفتن بهره‌وری می‌شود، نیاز واقعی دنیای امروز است. این رویکرد را اوّلین بار «لیدا. جی. هانیفان»[1]مطرح کرد؛ امّا پیشرفت مفهوم آن مرهون زحمات نظریه‌پردازان و جامعه‌شناسانی چون«جیمز کلمن»[2](۱۹۹۰)، «پیر بوردیو»[3](۱۹۸٦)، «فرانسیس فوکویاما»[4](۲۰۰۰) و «رابرت پاتنام»[5](۱۹۹۳) است(خورسندی طاسکوه، ۱۳۸۹: ۲۲۳).

هر جامعه، برای زندگی بهتر، سرمایه‌های مختلفی چون «سرمایه‌ی فیزیکی»[6]، «سرمایه‌ی مالی»[7]، «سرمایه‌ی انسانی»[8]، «سرمایه‌ی فرهنگی»[9] و «سرمایه‌ی نمادین»[10] دارد. در کنار این سرمایه‌ها، سرمایه‌ی دیگری وجود دارد که ارزش و اهمّیّت آن از بسیاری از سرمایه‌های فوق بیشتر می‌باشد و آن «سرمایه‌ی‌اجتماعی» است که ناظر بر منافع موجود در تعاملات اجتماعی برای گسترش کنش‌ها و تحصیل اهداف کنش‌گران اجتماعی است(موسوی، ۱۳۸۵: ۷۲).

توجه به مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی، بسیار متنوع و متفاوت است. هرکس بر طبق دیدگاه خاص خود به تعریف آن پرداخته که همین امر باعث اختلاف در تعریف و تبیین مؤلّفه‌های آن شده است. چنانکه پیشتر اشاره شد، بوردیو، فوکویاما، کلمن و پاتنام در پیشرفت مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی نقش مهمّی داشته‌اند که در این میان آرای کلمن، بوردیو و فوکویاما بیشتر مبتنی بر منافع فردی است؛ در حالی که دیدگاه پاتنامبر منافع جمعی تکیه دارد(جاوید و ایزدیجیران، ۱۳۸۹: ٤). به عبارتی پاتنام مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی را گسترش داد و آن را منبعی برای کارکردها در سطح

---

[1] *Lyda. j. Hanifan*
[2] *James Coleman*
[3] *Pier Bourdiue*
[4] *Francis Fukuyama*
[5] *Robert Putnam*
[6] *Physical Capital*
[7] *Economic capital*
[8] *Human Capital*
[9] *culture capital*
[10] *Symbolic Capital*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

جامعه دانست و با این کار درواقع بر جنبه‌ی مثبت سرمایه‌ی اجتماعی تأکید نمود(متفکرآزاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۱٤۳).

در بین صاحب‌نظران سرمایه‌ی‌اجتماعی پاتنام سرشناس‌ترین فرد است. سرمایه‌ی اجتماعی از نظر اوبه معنی «ویژگی‌هایی از سازمان‌های اجتماعی از قبیل شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که عمل و همکاری برای رسیدن به سود متقابل را تسهیل می‌کند»(اتنام، ۱۳۸۹: ۹۵). «سرمایه‌ی اجتماعی سود سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی سرمایه‌ی فیزیکی و سرمایه‌ی انسانی را افزایش می‌دهد. ذخایر سرمایه‌ی‌اجتماعی از قبیل اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها خود ضامن حسن اجرای خود هستند»(تاج‌بخش، ۱۳۸۹: ۹۵-۱۰۰).

از نظر پاتنام «سرمایه‌ی اجتماعی به ارتباطات بین افراد؛ یعنی شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای اجتماعی همکاری متقابل و اعتماد که از این شبکه‌ها برمی‌خیزد مربوط است که همکاری و هماهنگی را برای منافع اجتماعی تسهیل می‌کند»(پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۱). وی دو نوع سرمایه‌ی اجتماعی را از هم تفکیک می‌کند: سرمایه‌ی اجتماعی پل‌زن (در برگیرنده[1]) و سرمایه‌ی اجتماعی میثاقی (مانع‌شونده از دخول دیگران[2])(فیلد، ۱۳۸۵: ۵۰). «پاتنام سپس به بیان تفاوت‌های دو نوع اصلی سرمایه‌ی اجتماعی می‌پردازد. سرمایه‌ی اجتماعی میثاقی تمایل به ممانعت از دخول دیگران (غیرخودی‌ها) دارد و مایل است که همگنی را حفظ نماید، در حالی که سرمایه‌ی اجتماعی پل‌زن به گردهم‌آوردن مردم از بخش‌های مختلف اجتماعی تمایل دارد»(همان: ۵۰). او همچنین برای سرمایه‌ی اجتماعی سهم مؤلّفه را در نظر می‌گیرد: الف) شبکه‌های مشارکت[3] ب)هنجارهای معامله‌ی متقابل و همیاری ج) اعتماد[4](پاتنام، ۲۰۰۰: ۱۳٤).

از نظر پاتنام سرمایه‌ی‌اجتماعی زمانی که ارتباط و تعامل جمعی باشد، شکل می‌گیرد و وقتی که انحصاری شد، دیگر سرمایه‌ی اجتماعی نیست. «سرمایه‌ی‌اجتماعی به طور معمول یک کالای عمومی است، بر خلاف سرمایه‌ی متعارف که به‌طور معمول یک کالای خصوصی است. سرمایه‌ی اجتماعی مانند یکی از ویژگی‌های ساختار اجتماعی که فرد در آن قرار دارد، در مالکیت خصوصی هیچ یک از افرادی که از آن منتفع می‌شوند، نمی‌باشد»(پاتنام، ۱۳۹۲: ۲۹۳). چارچوب نظری این

[1] *briding social capital*
[2] *bonding social capital*
[3] *Participiation network*
[4] *Trust*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

تحقیق، بر مبنای نظرات پاتنام است. از دیدگاه صاحب‌نظران، سرمایه‌ی اجتماعی دارای دو بعد ساختاری و شناختی است. بعد ساختاری(نهادی)؛ به جنبه‌های عینی‌تر، ملموس‌تر و قابل‌رؤیت‌تر مفهوم سرمایه‌ی‌اجتماعی از قبیل نهادهای محلّی، سازمان‌ها و شبکه‌های موجود در میان مردم برمی‌گردد و بیشتر حالت سخت‌افزاری دارد و شامل سازمان‌های رسمی و غیررسمی است و سبب ایجاد رابطه‌ی عمودی و افقی در جامعه می‌شود و بعد شناختی به جنبه‌های ذهنی و نرم‌افزاری سرمایه‌ی‌اجتماعی نظیر هنجارها، ارزش‌ها، باورها و معامله‌های متقابل و شاخص‌تر از همه اعتماد اجتماعی اشاره دارد(احمدی انارمرزی، ۱۳۹۰: ۳۳).

سرمایه‌ی‌اجتماعی در سه سطح خرد، میانی و کلان بررسی می‌شود. در سطح خرد منافعی مورد نظر است که فرد به سبب عضویت در گروه و بهره‌برداری از سرمایه‌ی‌اجتماعی به دست می‌آورد(فیروزآبادی و ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۵: ۲۰۱). در سطح میانی درواقع سرمایه‌ی‌اجتماعی در روابط و هنجارهای اجتماعی بین گروه‌هایی که کار مشارکتی می‌کنند، وجود دارد؛ نظیرحکومت سیاسی، نظام‌های حقوقی و.... سطح کلان شامل روابط قراردادی و ساختاری نهادهای کلان مانند دستگاه حقوقی و قضایی می‌گردد (احمدی انارمرزی، ۱۳۹۰: ۳۵). در این سطح، سرمایه‌ی‌اجتماعی شامل رسمی‌ترین روابط و ساختارهای نهادی می‌شود.

سرمایه‌ی‌اجتماعی از نظر پاتنام دارای سه مؤلّفه‌ی اصلی هنجارگرایی، اعتماد و مشارکت است که هرکدام دارای شاخص‌های خاص خود هستند.

اعتماد[1] «اعتماد اجتماعی را می‌توان داشتن حسن ظن به دیگران در روابط اجتماعی دانست که دارای دو طرف اعتمادکننده و اعتمادشونده(فرد یا گروه) است و تسهیل‌کننده‌ی روابط اجتماعی بوده و امکان سود یا زیان را در خود دارد»(امیرکافی، ۱۳۸۰: ۱۱). درون‌مایه‌ی سرمایه‌ی‌اجتماعی اعتماد است. اعتماد باعث کاهش هزینه‌ها و افزایش نتایج می‌شود.

هنجار[2] در اصطلاح عبارت است از دستورالعمل‌های عینی ارزش‌های اجتماعی که از طرف جامعه برای ایجاد نظم و پذیرش ارزش‌های اجتماعی تحقق یافته‌است(سیف‌اللهی، ۱۳۷۳: ۱۲۵).

مشارکت در لغت در معانی «شریک‌شدن؛ شرکت؛ همکاری» آمده‌است(انوری، ۱۳۹۳: ۱۱۴۷ذیل مشارکت). در اصطلاح «فرآیند سازمان‌یافته‌ای است که افراد جامعه آگاهانه، داوطلبانه و

[1] *trust*
[2] *norm*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

جمعی و با در نظر گرفتن هدف‌های معین و مشخص انجام می‌دهند» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ١٦). مشارکت نوعی عمل جمعی است. «مشارکت یکی از بنیادی‌ترین کنش‌های متقابل افراد است که در شکل‌دادن گروه‌ها و سازمان اجتماعی نقش شیرازه و اساسی ایفا می‌کند» (محسنی وهمکاران، ۱۳۹۲: ۹۹).اگر جامعه‌ای دارای مشارکت اجتماعی باشد، در واقع دارای سرمایه‌ی اجتماعی است.

سرمایه‌ی اجتماعی دارای دو جنبه است؛ یکی جنبه‌ی پیوند عینی و ملموس که شامل شبکه‌های مشارکت اجتماعی است و دوم جنبه‌ی پیوند ذهنی که مربوط به هنجارهای اجتماعی و اعتماد می‌باشد.منظور از پیوند عینی بین افراد نوعی ساختار شبکه‌ای عینی است که برقرارکننده‌ی ارتباط بین افراد باشد. این بخش از سرمایه‌ی‌اجتماعی حکایت از آن دارد که افراد در فضای اجتماعی با یکدیگر پیوند دارند.

شبکه‌ی مشارکت دارای دو نوع پیوند رسمی و غیررسمی است:

الف) شبکه‌ی غیر رسمی که خود بر دو نوع است:۱. «درگیری اتفاقی»[1] شامل مشارکت در فعّالیّت‌های گروهی با فواصل نامنظم، مثل همکاری با خیریه‌هایی که در جهت کمک به محرومان و افراد خاص تشکیل می‌شود.۲. «مشارکت پایدار»[2]که شامل مشارکت قاعده‌مند و فعّالیّت در گروه‌هایی می‌شود که به صورت مؤسسه و سازمان نیستند؛ ولی نسبتاً دائمی و همیشگی‌اند.

ب) شبکه‌های رسمی یا نهادی که در برگیرنده‌ی عضویت در سازمان‌ها، انجمن‌ها و کلوپ‌ها با فعّالیّت‌های برنامه‌ریزی شده در یک زمان و مکان مشخص است و هر فرد با عضویّت رسمی و داوطلبانه درآن تشکیلات داوطلبانه با دیگران ارتباط برقرار و از طریق آن خواسته‌های خود را تعقیب می‌کند(یزدان پناه، ١٣٨٦: ١٠٧).

پیشینه‌ی پژوهش

مطالعات مربوط به سرمایه‌ی‌اجتماعی در ادبیات فارسی پیشینه‌ی چندان زیادی ندارد؛ زیرا این رویکرد جامعه‌شناسی اندک زمانی است که وارد حوزه‌ی مطالعات ادبی شده و اهل تحقیق براساس این نظریه به تجزیه و تحلیل متون ادبی پرداخته‌اند؛ به عنوان مثال رکابدار در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی مؤلّفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در داستان‌نامه‌ی بهمنیاری» با طرح

[1] *ad hoc*
[2] *stable-Regular-participation*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

موضوع در ضرب‌المثل‌های کتاب، به بررسی ابعاد گوناگون سرمایه‌ی‌اجتماعی پرداخته‌است.وی از میان ٦٠١٦ مثل موجود در کتاب، ٣٤٢مثل را دارای مؤلّفه‌ی یادشده دانسته که از میان انواع مشارکت، مشارکت برون‌سویه، بیشترین بسامد را داشته است (رکابدار،۱۳۹۰:۱۸۵). احمدی انارمرزی در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود «مؤلّفه‌های سرمایه‌ی‌اجتماعی در تاریخ بیهقی و قصاید ناصر خسرو» را بررسی نموده‌است، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بازتاب عناصر منفی وضد سرمایه‌ی اجتماعی بر عناصر مثبت غلبه دارد(احمدی انار مرزی،۱۳۹۰:۲۰۵).خلیلی در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه‌ی‌اجتماعی در تاریخ بیهقی» به بررسی سرمایه و ضد سرمایه‌ی اجتماعی در تاریخ بیهقی پرداخته و روند زوال سرمایه‌ی اجتماعی، وضعیت نخبگان، نقش عوام و زدوبندهای دربار را مورد توجه قرار داده است(خلیلی،۱۳۸۷: ۱۵۱-۱۷۳).مشایخی و احمدی انارمرزی نیز در مقاله‌ای با عنوان «نقدسرمایه‌ی‌اجتماعی و ضد سرمایه‌ی اجتماعی درشعر داروگ و آی‌آدم‌های نیما و سرود باران بدر شاکرسیاب» به مقایسه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در آثار فوق پرداخته‌اند(مشایخی و احمدی‌انارمرزی،۱۳۹۰: ١٤٠-١٦٦. نصر اصفهانی و همکاران درمقاله‌ای با عنوان «بررسی سرمایه‌ی اجتماعی سازمانی در سازمان‌های خدماتی استان اصفهان»(با رویکرد آموزه‌های مدیریت در آثار سعدی) با تبیین عوامل سرمایه‌ی اجتماعی و سازمانی در سازمان‌های خدماتی دولتی اصفهان، عوامل و شاخص‌های مورد نظر را با تکیه برآموزه‌های سعدی واکاوی نموده‌اند(نصر اصفهانی و همکاران،۱۳۹۰ :۱۰۷-١٣٤) محسنی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «ماهیت و جایگاه انواع مشارکت اجتماعی در ضرب‌المثل‌های داستان‌نامه‌ی بهمنیاری» به بررسی موضوع مشارکت اجتماعی در امثال بهمنیاری پرداخته و با بررسی انواع مشارکت، «مشارکت برون‌سویه» را دارای بیشترین بسامد دانسته است(محسنی و همکاران،۱۳۹۲:۹۷-۱۲۱)

ملاحظه می‌گردد که در حدود جستجوی نگارنده به جز مقاله‌ی محسنی و همکاران، کسی تاکنون به بررسی بازتاب مؤلّفه‌ی مشارکت اجتماعی در آثار ادبی نپرداخته است و اثر فوق در حوزه‌ی پژوهش‌های ادب عامیانه تدوین گردیده؛ امّا در این مقاله بازتاب مشارکت اجتماعی به عنوان یکی از مؤلّفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در کتاب گلستان به عنوان کتابی که هم ارزش و اعتبار فرهنگی ادبی دارد و هم گزارشگر اوضاع و احوال واقعی عصر سعدی است، ارائه می‌گردد. یکی از جنبه‌های اهمّیّت موضوع این است که مبحث مؤلّفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در حوزه‌ی ادبیات فارسیتاکنون به این شکل مورد توجه علمی قرار نگرفته؛ البتّه این مقاله بخشی از مطالعه‌ی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

گسترده‌ای است که تحت عنوان «بازتاب سرمایه‌ی اجتماعی در گلستان و بوستان سعدی» و به عنوان رساله‌ی دکتری به انجام رسیده است.

روش پژوهش

روش انجام این پژوهش به شیوه‌ی تحلیلی-توصیفی است و ضمن استفاده از تحلیل و توصیف در تبیین شاخص‌های مشارکت از تحلیل‌های کمی و مبتنی بر بسامد و آمار نیز استفاده شده‌است؛ یعنی در هر قسمت با ارائه‌ی بسامدِ کاربرد آن سعی شده‌است، تحلیل‌ها مبنای ریاضی و آماری داشته باشند.

مفاهیم و متغیرهای پژوهش

آن‌گونه که در تعریف مشارکت آمد، مشارکت اجتماعی فرآیند سازمان‌یافته‌ای است که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف‌های مشخص برای سهیم‌شدن در منابع قدرت به کار می‌گیرند(زارع شاه‌آبادی و نوریان نجف،۱۳۹۱: ۵۹).

- مشارکت دوسویه(هم‌یاری): در این نوع مشارکت انتظار کمک متقابل وجود دارد و هر دو طرف ذی‌نفع هستند. یاری‌دهنده و یاری‌گیرنده همدیگر را می‌شناسند و اغلب مشارکت «همیارانه‌ی درون‌گروهی» است. بنیاد همیاری بر حسن تفاهم و دوستی نهاده شده و بیان‌کننده‌ی احترام متقابل و حس صمیمیّت میان کنش‌گران است.

- مشارکت برون‌سویه(دگریاری): دگریاری، کنشی یک سویه، عمودی یا افقی است که میان همتراز آن یا ناهمتراز آن(فراتران و فروتران، توانایان و ناتوانان) جریان می‌یابد. در حالی که هم-یاری جریانی دو سویه و افقی است که اغلب میان کسانی که می‌توانند توانایی‌های همدیگر را تکمیل یا کمبودهای یکدیگر را جبران کنند، برقرار می‌شود. به عبارتی تفاوت دگریاری و هم‌یاری تفاوت بخشش با نوعی معاوضه و مبادله است. در مشارکت دگریاری انتظار کمک متقابل از یاری-شونده وجود ندارد و در هاله‌ای از خیرخواهی و عواطف مذهبی پیچیده شده‌است.

- مشارکت اجباری: دانشمندان علوم اجتماعی مشارکت را به «اجباری» و« اختیاری» تقسیم می‌کنند و مشارکت را در جوامع سنّتی بر پایه‌ی همکاری اجباری می‌دانند و معتقدند که جامعه‌ی مدرن بر پایه‌ی همکاری داوطلبانه استوار است. مشارکت اجباری نوعی هم‌نوایی را در انسان‌ها برمی‌انگیزد

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

که نقطه‌ی مقابل مشارکت فعّال و خودانگیخته است. این هم‌نوایی قدرت ابتکار، ابداع و خلاقیّت را کاهش می‌دهد.

- مشارکت بر اساس تقسیم کار: برخی معتقدند در گذشته مشارکت در شکل تقسیم کار که امروز در جامعه‌ی مدنی وجود دارد، جریان نداشته‌است. تقسیم کار و تراکم اخلاقی به نوبه‌ی خود از عوامل اصلی گسترش تمدن، یعنی توسعه‌ی اقتصادی و فرهنگی هستند. تعاون یا مشارکت به عمل جمعی در جهت هدف‌های مشترکی اطلاق می‌شود که از سوی افراد به صورت متّحد و یا جدا از هم صورت می‌پذیرد.

- مشارکت ابزاری: در مشارکت ابزاری، اراده‌ی افراد و انگیزه‌ی آنان از معاشرت و مشارکت، سود فردی است. اعتقاد بر این است که به مشارکت باید هم به عنوان هدف و هم به عنوان وسیله و هم یکی از نیازهای اساسی بشر توجّه نمود.

- مشارکت مشورتی: این نوع مشارکت طرف مشورت قرارگرفتن قبل از تصمیم‌گیری است. مشورت نشانه ی اهمّیّت یک نیاز بوده؛ نیازی که انسان اجتماعی به حکم زندگی جمعی به یاریگری دیگران در تصمیم‌گیری‌های خود قایل است. از منظر جامعه‌شناسی اصل مشورت به عنوان یک سنت و روش پسندیده باید در جامعه حکم‌فرما باشد تا خوی استبداد و خودخواهی بر افراد چیره نشود(محسنی و همکاران،۱۳۹۲: ۱۰۱-۱۲۷).

- وحید قاسمی و همکارانش برای مشارکت سه شاخص را تعریف کرده‌اند که شامل: مشارکت اجتماعی، مشارکت مدنی و انسجام اجتماعی می‌شود(قاسمی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۳۷).

یافته‌های پژوهش

برای شبکه‌ی مشارکت در گلستان سعدی بر اساس تعریف پاتنام از سرمایه‌ی اجتماعی، شاخص‌سازی شده است. شاخص‌های مشارکت اجتماعی در گلستان شامل: مشارکت اجتماعی، مشارکت مدنی و انسجام اجتماعی است. میزان حضور این شاخص‌ها در گلستان سعدی دارای اختلاف فراوانی فاحشی است. دلیل این میزان از اختلاف به شرایط و اوضاع و احوال جاری در زمان سعدی برمی‌گردد و مصادیق و معیارهای مشارکت مدنی و انسجام اجتماعی در جامعه‌ی به ویرانی کشیده‌شده‌ی بعد از تهاجم‌های پیاپی اقوام مهاجم مستبد به این سرزمین معنا و مفهومی برای حضور ندارد. در این بخش شاخص‌های مشارکت در گلستان توصیف و تحلیل می‌شود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

بازتاب شاخص‌های مشارکت اجتماعی در گلستان:

بسامد شاخص مشارکت اجتماعی در قالب مشارکت در سطح همراهی، مشارکت در امور مذهبی و مشارکت در امور سازماندهی شده در گلستان جمعاً ۲۸ مورد (۹۶/۵۵٪) است و به نسبت دو شاخص دیگر؛ یعنی انسجام اجتماعی و مشارکت مدنی توجه خاص سعدی به مشارکت اجتماعی را نشان می‌دهد. این شاخص در قالب مشارکت در سطح همراهی با ۲۱ مورد (۷۲/۴۱٪) – بیشترین بسامد – و مشارکت در امور مذهبی۲ مورد (۶/۹۰٪) و مشارکت در امور سازماندهی شده با ۵ مورد (۱۷/۲۴٪) نمود یافته است.

مشارکت اجتماعی در سطح همراهی

همراهی و مشارکت در کاری یا موضوعی گاه برای کسب منفعت و بهرمندی از مزایای آن صورت می‌گیرد و طلب مشارکت در سطح همراهی برای رسیدن به مقصودی در کلام شیخ مطرح می‌شود؛ به عبارتی مشارکت ابزاری مورد نظر است:«به حکم ضرورت سخن گفتیم و تفرج‌کنان بیرون رفتیم. در فصل ربیعی که صولت برد آرمیده بود و اوان دولت ورد رسیده»(سعدی، ۱۳۹۳ :۵۳).

نمونه‌ی دیگر: شب را به بوستان با یکی از دوستان اتفاق مبیت افتاد: موضعی خوش و خرّم و درختان درهم، گفتی که خرده مینا بر خاکش ریخته و عقد ثریّااز تاکش آویخته.

روضـةٌ مـاءُ نهـرِها سَلسال دوحـةٌ سَجـعُ طیرِها موزون[۱]

آن پُـر از لاله‌هـا رنگـارنگوین پراز میوه‌های گوناگـون

بـاد در سـایـه‌ی درخـتانش گسترانید فرش بوقلمون(همان:۵٤).

سعدی افراد ناآگاه را به همراهی و مشارکت با افراد آگاه فرا می‌خواند، و با بیـان یـک تمثیـل افراد را از همراهی با بدسیرتان باز می‌دارد و به همراهی و مشارکت بـا انسـان‌هـای نیـک سـیرت فرامی‌خواند. مشارکتی که برای افراد آگاه در واقع یک مشارکت برون‌سویه است و بیش از هرکسی برای نادانان به سبب همراهی با دانایان بهره و فایده دارد:

بـا بـــدان یـــار گشـــت همســـر لـــوط خـانـــــدان نبـــــوّتش گـــــم شـــد

سـگ اصحـــــاب کهـــف روزی چنـد پی نیکان گرفت و مردم شـد(همـان:٦۲)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

نمونه‌ی دیگر:

هرکه با بدان نشیند اگر نیز طبیعت ایشان در او اثر نکند به طریقت ایشان متّهم گردد و گر به خراباتی رود به نمازکردن، منسوب شود به خمرخوردن.

رقم برخود به نادانی کشیدی — که نادان را به صحبت برگزیدی
طلب کردم ز دانایی یکی پند — مرا گفتند: با نادان مپیوند
که گر دانای دهری خر بباشی — وگرنادانی ابله‌تر بباشی (همان:۱۸۵)

سعدی همراهی و مشارکت را گاهی در حد گفتار و همدمی می‌داند. این نوع از مشارکت در واقع مشارکتی کلامی و مشورتی است نه رفتاری و گاهی هم مشارکت در خیال واقع می‌شود و نوعی دعوت به مشارکت است:

کوس رحلت به کوفت دست اجل — ای دو چشمم وداع سر بکنید
ای کف دست و ساعد و بازو — همه تودیع یکدگر بکنید
بر منِ اوفتاده دشمن کام — آخر، ای دوستان، گذر بکنید
روزگارم بشد به نادانی — من نکردم شما حذر بکنید(همان:٦٦)

سعدی در حکایت زیر به وجهی دیگر از مسأله‌ی همراهی و مشارکت در امور اشاره می‌کند و آن انگیزه و محرّک مشارکت دوسویه است که خداوند در نهاد موجودات به شکل غریزی و در وجود انسان به صورت فطری عشق به ودیعه نهاده تا موجودات و به خصوص انسان‌ها بتوانند با هم باشند و از با هم بودن لذّت ببرند. آن گاه که آن عابد خشک مغز از شعر و گلبانک دلنشین کودکی در بیابان اظهار بی‌رغبتی و انکار داشت، شیخ در نتیجه‌ی کلام خود او را نه یک حیوان بلکه حیوانی کج رفتار و بد توصیف کرده است:

«وقتی در سفرِ حجاز جماعتی جوانانِ صاحبدل همدمِ [من] بودند و همقدم. وقت‌ها زمزمه‌ای بکردندی و بیتی محققانه بگفتندی [و] عابدی در سبیل، مُنکرِ حالِ درویشان و بی خبر از دردِ ایشان. تا برسیدیم به نخله‌ی بنی هلال. کودکی سیاه از حیِّ عرب بدر آمد و آوازی برآورد که مرغ از هوا درآورد. [ا]شتر عابد را دیدم که به رقص اندر آمد و عابد را بینداخت [و راهِ بیابان گرفت]. گفتم: [ای]شیخ، در حیوانی اثر کرد و در تو اثر نمی کند!

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

دانـــی چـه گفـت مـرا، آن بلبـلِ سـحری؟ تو خود چـه آدمیـی کـز عشـق بـی خبـری؟
اشتر بـه شـعرعرب، در حالتسـت و طـرب گـر ذوق نیسـت تـورا، کـژ طبـع جـانوری
[وَ عِنـدَ هُبُـوبِ ٱلنّاشِـراتِ عَلَـی ٱلحِمـی تَمیـلُ غُصُّـونٌ ٱلبـانِ لَـا ٱلحَجَـرُ ٱلصَّـلدُ][۲]
(همان:۹۷).

سعدی گاهی سبب همراهی و مشارکت را در ذات طبیعت می‌دانـد و بـه شـکلی از مشـارکت اجباری در طبیعت اشاره می‌کند که پی‌درپی‌بودن و با هم آمدن قطرات باران تمثیل شیخ است برای همبستگی و همراهی بـا هـم تـا سـیل خروشـان و پرمهابـت مشـارکت اجتمـاعی را بـه نمـایش بگذارد:«اندک اندک خیلی شود و قطره قطره سیلی گردد؛ یعنی آنان که دست قوت ندارنـد سـنگ خُرده نگه دارند تا به وقت فرصت دمار از دماغ ظالم برآرند.»
و قطّـرُ عَلـی قَطّـرِ اِذَا اَتّفقَـت نهـرُ و نهـرُ اِلـی نهـرِ اِذَا[۱]جتَمعـت بَحـرُ[۳]
(همان:۱۸۱).

نمونه‌ی دیگر: سبب مشارکت در سطح همراهی در نظر سعدی گاهی لذّت و جاذبـه‌هـای آن است. شیخ در تمثیلی به بیان این واقعیّت پرداخته و تشنگان مسیر حجاز هیچ‌گـاه کنـار آب شـور جمع نمی‌شوند؛ بلکه عامل جمع شدن آن‌ها چشمه‌ی آب شیرین است؛ در واقع مشارکتی ابـزاری را بیان می‌کند:

بـه روی خـود درِطمّـاع بـاز نتـوان کـرد چو باز شد، بدرشتی فراز نتـوان کـرد
کـس نبینـد کـه تشنگـان حجـاز بـه لـبِ آبِ شـور گـرد آینـد
هـر کجـا چـشمه‌ای بـوَد شـیرین مردم و مرغ و مور گردآیند(همان:٦٨)

مشارکت اجتماعی در امور سازماندهی‌شده

امور سازماندهی‌شده اموری هستند که در قالب یک تشکیلات، فعالیّتی جمعـی و اجتمـاعی و مشارکت در چنین برنامه‌هایی از قبیل؛ گردهمایی‌ها، جشنواره‌ها، همایش‌ها و... را در برمـی‌گیـرد. طبیعی است که چنین تشکیلاتی در زمان سعدی وجود نداشته است و برای تبیـین ایـن شـاخص بیان و اندیشه‌ی سعدی را در اموری که مرتبط با تشکیلات و امور حاکمیتی و فعالیّت‌های گروهی است، مورد بررسی قرار گرفته است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

نمونه‌یاز مشارکت سازماندهی شده را در گلستان فعالیّت و مشارکت جمعی از اهل روزگار می‌توان دانست که سعدی آنان را شریک راحت و رنج هم توصیف می‌کند؛ یعنی مشارکتی دوسویه داشته‌اند:

«تنی چند از روزگاران متفق سیاحت بودند و شریک رنج و راحت. خواستم تا مرافقت کنم موافقت نکردند. گفتم: از کرم و اخلاق بزرگان بدیع است روی از مصاحبت مسکینان تافتن و فایده دریغ داشتن که من در نفسِ خود این قدر سرعت و قوت می‌شناسم که در خدمت درویشان یار شاطر باشم نه بار خاطر.

اِن لَکُم اَکُنراکِبَ لِلْواشی اَسعی لَکُم حامِلَ الغَواشی[٤]

(همان:۸۷).

سعدی در حکایتی در باب دوم گلستان از رفتار منظم، طبیعی و سازماندهی شده‌ی موجودات عالم در ستایش خداوند سخن رانده و می‌گوید: در زمانی که موجودِ فاقد درک و شعور در مسیر تسبیح و حمد خداوند است، بی تفاوتی انسان صاحب خرد و اندیشه پذیرفتنی نیست و در عمل همه‌ی انسان‌ها را به مشارکتی اجباری در تسبیح و حمد خداوند فرا می‌خواند:

«یاد دارم که شبی در کاروانی همه‌شب رفته بودم و سحر در کنار بیشه‌ای خفته. شوریده‌ای [که در آن سفر همراه ما بود] نعره برآورد و راه بیابان گرفت و یک نَفَس آرام نیافت. چون روز شد گفتم: این چه حالت بود؟ گفت: بلبلان را شنیدم که بنالش در آمده بودند از درخت و کبکان در کوه و غوکان در آب و بهایم در بیشه؛ اندیشه کردم که مروّت نباشد همه در تسبیح و من [به غفلت خفته]

دوش مرغی به صبح می نالید عقل و صبرم و ببرد و طاقت و هوش
یکی از دوستانِ مخلص را مگر آوازِ من رسید به گوش
گفت: باور نداشتم که تو را بانگِ مرغی کند چنین مدهوش
گفتم: این شرطِ آدمیّت نیست مرغ تسبیح گوی و ما خاموش»

(همان:۹۷).

نمونه‌ی دیگر از مشارکت سازماندهی شده در گلستان در صلابت و شجاعت ملک‌زاده‌ای آمده است که در برابر برادرانش کوتاه قد بود و حقیر؛ امّا در میدان کارزار در برابر سپاه بی‌شمار دشمن

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

و به گاه شکست نیروهای خودی توانست به لشکر شکست خورده‌ی خود سامان دهد و آنان را با مشارکتی اجباری سازماندهی کند و بر دشمن غلبه نماید:

آورده‌اند که سپاه دشمن بی قیاس بود و اینان اندک. طایفه‌ای آهنگ گریز کردند. پسر نعره زد و گفت: ای مردان بکوشید یا جامه زنان بپوشید. سواران را بگفت او تهوّر زیادت گشتو به یک بار حمله بردند. شنیدم که هم در آن روز بر دشمن ظفر یافتند. ملک سر و چشمش ببوسید و در کنار گرفت و هر روز نظر بیش کرد تا ولیعهد خویش کرد(همان:٦٠).

در گلستان حکایتی در باب مشارکت سازمان‌یافته می‌توان نشان داد که به دلیل انتخاب نادرست جانشین پادشاه ارکان دولت به شکل سازماندهی شده از حاکمیت ملی بریدند و کشور را تجزیه کردند؛ در واقع مشارکتی اجباری برای فرار از وضع موجود شکل گرفته است:

«یکی از ملوک مدّتِ عمرش سپری شد و قایم مقامی نداشت. وصیّت کرد که بامدادان نخستین کسی که در این شهر آید تاجِ شاهی بر سرِ وی نهید و تفویضِ مملکت بدو کنید. اتفاقاً اوّل کسی که درآمد گدایی بود همه عمر لقمه اندوخته و خرقه بر خرقه دوخته. ارکانِ دولت و اعیانِ حضرت وصیّتِ [مَلِک] به جای آوردند [و تسلیمِ مفاتیحِ قِلاع و خزاین بدو کردند و] مدّتی مُلک راند. پس بعضی امرای دولت گردن از مطاوعتِ او بپیچیدند و ملوک از هر طرف به منازعت برخاستند و به مقاومت لشکر آراستند. فی‌الجمله سپاه و رعیّت به هم برآمد[ند] و برخی طرفِ بلاد از قبضِ تصرّفِ او بدر رفت»(همان:۹۸).

مشارکت اجتماعی در امور مذهبی

سعدی مشارکت در انجام تکالیف مذهبی را گاه مستند به آیات کلام وحی می‌کند و بندگان خدای را به انجام تکلیف شرعی خود فرامی‌خواند؛ دراین بیان مشارکتی برون‌سویه اتفّاق می‌افتد و بندگان با انجام تکلیف خود از نعمت بندگی صالح و شایسته‌ی خداوند برخوردار می‌شوند. سعدی در آغار دیباچه‌ی گلستان مخاطب را با یادآوری نعمت حیات و زیبایی قرب الهی به مشارکت در شکرگزاری و ستایش خداوند به عنوان امری واجب فرامی‌خواند: «منت خدای را عزّ و جلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکراندرش مزید نعمت هر نفسی که فرو می رود ممدّ حیات است و چون بر می‌آید مفرّح ذات پس در هر نفسی دو نعمت موجودست و بر هر نعمت شکری واجب.

از دست و زبان که برآید کز عهده‌ی شکرش به در آید؟

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

اِعملوا آلَ داودَ شکراً وَ قلیلٌ مِن عبادیَ الشکور[۵](همان:٤۹).

سعدی به مشارکت اجزای طبیعت برای خدمتگزاری به بشر اشاره می‌کند و با بیان نمونه‌ای از این مشارکت اجباری اجرام و اجزای طبیعت در خدمت بشر، ندای همنوایی و مشارکت انسان‌ها را در انجام تکالیف مسلمانی یادآور می‌شود:

ابـر و بـاد و مـه و خـورشید و فلک در کـارند تاتـو نانی بـه کف آریّ و بـه غفلـت نخـوری
هـمـه از بهـر تـو سرگـشته و فـرمـان بـردار شـرط انصـاف نباشـد کـه تـو فرمـان نبـری

(همان:٤۹)

انسجام اجتماعی

این شاخص به اهمّیت‌دادن به یکدیگر و صرفاً به فکر خود نبودن، احترام بـه حقـوق و امـوال دیگران، وجود روابط محبّت‌آمیز و انسان‌دوستانه در جامعه و برابربودن در مقابل قانون اشاره دارد. بسامد این شاخص درگلستان سعدی با ۱ مورد (۳/٤٥٪) بعد از مشارکت اجتماعی در جایگاه دوم شاخص‌های مشارکت گلستان قرار دارد.

سعدی به فکر دیگران‌بودن و رعایت حال رعیّت کردن را از مبانی استحکام انسجام اجتمـاعی می‌داند و حکومت را از ظلم و حتّی ایجاد ناخشنودی در میان رعیّت برحذر می‌دارد، چـون آنـان پشت و پناه حکومت در روز حادثه و پناهگاه حاکمیت به گاه خطر هستند. این نوع تعامل از نـوع مشارکت دوسویه است که فایده‌ی آن هم برای پادشاه و حاکمیت و هم برای رعیّت است.

پـادشاهـی کـو روا دارد ستـم بـر زیـر دسـت دوستـدارش روز سختـی دشمـن زور آورست
با رعیّت صلح کن وز جنگ خصم ایمن نشـین زان کـه شاهنشـاه عـادل را رعیـت لشکرسـت

(همان:٦٤)

مشارکت مدنی

مشارکت مدنی در برگیرنده‌ی مفاهیم مشارکت در قالب سـنت‌هـای مـدنی، نظیـر عضـویت و مشارکت در انجمن های خیریه، قرض‌الحسـنه‌هـای فـامیلی، هیـأت‌هـای مـذهبی و عضـویت در گروه‌های فرهنگی نظیر گروه‌های هنری و کانون‌ها و الگوهای جدید مشارکت نظیر سـازمان‌هـای غیر دولتی، تشکل‌های سیاسی و تیم‌های ورزشی و... می‌گردد. این مصادیق در شعر سعدی وجود ندارد و در آن زمان چنین تشکل‌ها و سازمان‌های مردم نهادی وجود نداشته‌اند؛ بنابراین بسامد این شاخص درگلستان سعدی صفر است.

بررسی مشارکت در گلستان

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

برای ارزیابی مشارکت به عنوان یکی از مؤلّفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در گلستان ابتدا انواع مشارکت در این کتاب تحلیل و توصیف می‌شود و سپس به بررسی نمود و بازتاب شاخص‌های مؤلّفه‌ی مشارکت در هر یک از باب‌های گلستان پرداخته و در پایان نمود و بسامد هر شاخص در گلستان واکاوی می‌گردد؛ بنابراین انواع مشارکت مورد بررسی در این پژوهش در قالب جدول شماره‌ی یک و نمود مشارکت در ابواب مختلف گلستان در جدول شماره‌ی دو و نمود شاخص‌های مشارکت در گلستان بر اساس جدول شماره‌ی سه مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

جدول شماره‌ی یک- میزان نمود انواع مشارکت در ابواب مختلف گلستان

ردیف	انواع مشارکت	فراوانی	درصد
۱	مشارکت برون‌سویه	۳	۱۰/۳٤
۲	مشارکت درون‌سویه	٦	۲۰/٦۹
۳	مشارکت ابزاری	۹	۳۱/۰۳
٤	مشارکت مشورتی	۳	۱۰/۳٤
٥	مشارکت اجباری	۸	۲۷/٥۹
٦	مشارکت بر مبنای تقسیم کار	.	٪ .
	جمع	۲۹	٪۱۰۰

از میان انواع مشارکت‌های بازتاب‌یافته در گلستان سعدی، مشارکت ابزاری با ۹ مورد و ۳۱/۰۳٪ ، مشارکت اجباری با ۸ مورد و ۲۷/٥۹٪ ، مشارکت درون‌سویه(همیاری) با ٦ مورد و ۲۰/٦۹٪، مشارکت برون‌سویه با ۳ مورد و ۱۰/۳٤٪ و مشارکت مشورتی با ۳ مورد و ۱۳/۷۳٪ به ترتیب دارای بیشترین بسامد هستند.

بر اساس داده‌های جدول شماره‌ی یک، حدود ۳۱/۰۳٪ از کل انواع مشارکت در بوستان به مشارکت ابزاری اختصاص دارد. در مشارکت ابزاری اراده‌ی افراد و انگیزه‌ی آنان از معاشرت و مشارکت سود فردی است. در تحلیل فراوانی این نوع از مشارکت در گلستان که دنیای زندگی واقعی عصر سعدی است باید به شرایط و اوضاع و احوال روزگار سعدی توجّه داشت و بدون آن نمی‌توان به معیار و میزانی واقعی برای بیان موضوع دست یافت. اگر در گلستان مشارکتی صورت می‌گیرد ردّ پای انگیزه‌های شخصی و بهره‌برداری و کسب منفعتی در آن می‌توان دید. دنیای زندگی آنان در پساهجوم غزنوی، ترکِ سلجوق و مغول دنیای ویرانی و آشفتگی مادی و معنوی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

زندگی اجتماعی ایرانیان است؛ بنابراین اگر در چنین دنیایی، دگریاری و همیاری رونقی ندارد تا حدودی باید طبیعی تلقی نمود و به انگیزه‌ی افراد برای بیرون کشیدن گلیم خویش از هجوم بنیان‌برانداز سیل مهاجمان بی‌رحم احترام گذاشت و تذکر و توجه دادن‌های سعدی را به کمک به همنوعان و دگریاری را نشانه‌ای از این واقعیّت تلخ دانست. مشارکت اجباری در گلستان بعد از مشارکت ابزاری با ۲۷/۵۹٪ بیشترین بسامد را دارد و این هم تأکیدی بر مطلب گفته شده در باب مشارکت ابزاری است که اگر در جامعه‌ی آن زمان مشارکت‌کننده منفعت و انگیزه‌ای در مشارکت نداشته باشد علی‌القاعده او را به این مشارکت مجبور نموده‌اند. قبلاً اشاره شد که مشارکت در جوامع سنّتی بر پایه‌ی همکاری اجباری است. جامعه‌ی عصر سعدی یک جامعه‌ی سنتی است. مشارکت درون سویه یا همیاری سومین نوع از مشارکت است که دارای ۲۰/۶۹٪بسامد در گلستان است. در این نوع مشارکت انتظار کمک متقابل وجود دارد و از خصوصیات این مشارکت یکی این است که هر دو طرف ذی‌نفع هستند؛ یاری‌دهنده و یاری‌گیرنده همدیگر را می‌شناسند. قرار گرفتن این نوع از مشارکت در این جایگاه درگلستان سعدی، جایگاه واقعی قرارگرفتن انواع مشارکت را به خوبی در آن زمان نشان می‌دهد که مشارکت یا ابزاری است یا اجباری و یا درون‌سویه که در همه‌ی این انواع ذکرشده، انگیزه و هدف مشارکت بهره‌برداری شخصی و یا اجبار است.

مشارکت برون‌سویه یا دگریاری و مشارکت مشورتی هر یک با بسامد سه مورد در گلستان و ۱۰/۳٤٪در پایین‌ترین رده‌های بسامدی قرار دارند. در باره‌ی بی‌رغبتی به مشارکت دگریاری و برون سویه اشاره شد که فضای جامعه این امکان که دستگیری و کمک بی‌چشم‌داشتی به افراد نیازمند جامعه صورت بگیرد را به حداقّل رسانده بود و به عبارتی همه درمانده بودند؛ امّا در باره‌ی عدم رغبت به مشارکت مشورتی در جامعه‌ی سنتی می‌توان به یک مسئله‌ی اساسی تأکید نمود و آن توسعه‌ی روحیه‌ی استبدادی مردمان استبدادزده‌ی این سرزمین در طول تاریخ است که در ادبیات سعدی و سپس در ادب عامیانه ما هم انعکاس یافته است که «همه کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال»(گلستان:۱۷۵). در چنین جامعه‌ای افراد خود را عقل کل دانسته و از مشورت و کمک‌خواستن از دیگران خود را بی‌نیاز می‌دانند. سعدی این واقعیّت‌ها را به صورت عینی مشاهده کرده و به فراخور کلام آن را بازتاب داده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

جدول شماره‌ی دو- میزان نمود مشارکت در ابواب مختلف گلستان

ردیف	نام باب	تعداد	درصد	ردیف	نام باب	تعداد	درصد
۱	دیباچه	٤	۱۳/۷۹	۷	در ضعف و پیری	۰	۰
۲	در سیرت پادشاهان	۸	۲۷/۵۹	۸	در تأثیر تربیت	۱	۳/٤٥
۳	در اخلاق درویشان	۸	۲۷/۵۹	۹	در آداب صحبت	۳	۱۰/۳٤
٤	در فضیلت قناعت	٤	۱۳/۷۹				
٥	در فواید خاموشی	۰	۰				
٦	در عشق و جوانی	۱	۳/٤٥	جمع		۲۹	٪۱۰۰

براساس داده‌های جدول شماره‌ی دو جمعاً تعداد ۲۹ مورد از ابیات و عبارات کتاب گلستان دربردارنده‌ی مفهوم مشارکت است. بیشترین تعداد موارد مشارکت به ترتیب متعلق به باب‌های اوّل و دوم است که هر کدام با بسامد ۸ مورد و ۲۷/۵۹٪ در جایگاه اوّل فراوانی و بسامدی قرار دارند و بعد دیباچه و باب سوم هرکدام با فراونی ٤ مورد و (۱۳/۷۹٪) در جایگاه بعدی قرار دارند. در مابقی ابواب بوستان کمتر از ۳٪ مشارکت برای هر باب مشاهده شده است. به این ترتیب بیش از ۸۲٪ از موارد مشارکت فقط در باب‌های اوّل دوم و سوم و دیباچه قرار دارد. کم‌ترین درصد مشارکت(۰٪) متعلق به باب‌های چهارم و ششم گلستان است.

این که سعدی چرا در باب‌های اوّل و دوم بیشترین توجّه و تأکید را به بازتاب مشارکت اختصاص داده، ناشی از اهمّیّت این دو قشر در روند تحولات جامعه‌ی عصر سعدی است. بی‌ملاحظه می‌توان اذعان کرد که هیچ قشر و گروه یا صنفی به اندازه‌ی این اقشار؛ یعنی حاکمان و درویشان(روحانیان) در روند تحولات و شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه‌ی ایرانی تأثیرگذار نبوده است. آن چه عیان است و در گلستان بازتاب دارد، این است که سعدی به تأثیرگذاری و نقش‌آفرینی این دو قشر آگاهی کامل داشته و دو باب آغاز کتابش را به آنان اختصاص داده است. از نگاه سعدی مردم بر دین حاکمانشان هستند و شاید می‌خواسته که برای ایجاد و تقویت روحیه‌ی مشارکت در مردم از حاکمان و روحانیان شروع کند تا از طریق آنان بتواند روحیه‌ی سوخته‌ی مشارکت را در مردم عادی و عامی سرزمینش احیا نماید.

در دیباچه و باب چهارم گلستان توجه به مشارکت به نسبت دیگر باب‌های باقیمانده قابل توجّه است. سعدی در دیباچه‌ی گلستان از حمد و ستایش خداوند و رسولش و نیز انگیزه‌ی خود از تصنیف کتاب گلستان می‌گوید. سعدی با هنرمندی خاص خود به دنبال ترمیم سرمایه‌ی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

اجتماعی محو شده در جامعه‌ی عصر خود است و مشارکت یکی از مؤلّفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی می‌باشد. بسامد بیش از ۱۳٪ مشارکت در دیباچه را می‌توان نشانه‌ی این توجّه و نگاه سعدی به حساب آورد. در باب چهارم که به مبحث قناعت اختصاص دارد، سعدی با ذکر مصادیقی از مشارکت موجودات در طبیعت و نیز نمونه‌هایی از فعّالیّت‌های جمعی موجودات برای دفاع از حریم خود و نیز برای دفع و رفع نیاز به دیگران مطلب مورد نظر خود؛ یعنی قناعت را تبیین و تفسیر نموده است.

در باب هشتم شیخ بحث تعلیمی خود را در باره‌ی آداب صحبت قرار داده است. صحبت-کردن، عملی مشارکت‌طلب است که گوینده و شنونده و مخاطب یا مخاطبانی باید در کار باشد تا به انجام برسد. بسامد ۱۰/۲٤٪ موارد اشاره به مشارکت در این باب مؤید این مطلب است. در ابواب پنجم و هفتم سعدی مصادیق مشارکت را یک مورد آورده است و این حداقّل توجّه است؛ البته در باب هفتم سعدی می‌توانست بیشتر به این موضوع بپردازد؛ امّا توجّه و نگاه او بیشتر بر تربیت شخصی بوده است تا تربیت اجتماعی و همین تمرکز بر تربیت شخصی مانع از توجه به مشارکت اجتماعی در این باب است. باب‌های چهارم و ششم که به ترتیب درباره‌ی فواید خاموشی و در ضعف و پیری است، عنوان باب خاموشی راه را برای انجام هر مشارکتی می‌بندد و طبیعی است در این باب شیخ تأکیدش بر ضد سرمایه‌ی اجتماعی باشد. در باب ششم بیان شیخ به تناسب محتوای مطلب که درباره‌ی دوران ضعف و پیری است، مهار سخنش را به سمت مخاطبی می‌کشاند که در روزگار ناتوانی و استراحت است نه در دوره‌ی جنب جوش و فعّالیّت اجتماعی؛ بنابراین برای رعایت حال مخاطب، او از بیان مقوله مشارکت منصرف گشته است.

جدول شماره‌ی سه-میزان نمود شاخص‌های مشارکت در گلستان

ردیف	شاخص مشارکت		فراوانی	درصد
۱	مشارکت اجتماعی	درسطح همراهی	۲۱	۷۲/٤۱
		امور مذهبی	۲	٦/۹۰
		امور سازماندهی‌شده	۵	۱۷/۲٤
۲	انسجام اجتماعی		۱	۳/٤۵
۳	مشارکت مدنی		۰	۰
	جمع		۲۹	/۱۰۰

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

شاخص مشارکت اجتماعی با ۲۸ مورد و بیش از ۹۶/۵۵ ٪ بیشترین نمود شاخص‌ها را داراست و انسجام اجتماعی با ۱ مورد و ۳/٤٥٪ در رتبه‌ی بعدی قرار دارد، مشارکت مدنی در ادبیات آن زمان بازتاب و انعکاسی نداشته است. طبق اطلاعات جدول شماره‌ی سهمشارکت اجتماعی در سطح همراهی با ۲۱مورد(۷۲/٤۱٪) بالاترین بسامد را داشته و بعد از آن مشارکت در امور سازماندهی شده با ۵ مورد(۱۷/۲٤٪) و مشارکت در امور مذهبی با ۲ مورد (٦/۹۰٪) بازتاب یافته است. انسجام اجتماعی با ۱ مورد(۳/٤٥٪) در جایگاه دوم است و مشارکت مدنی با ۰ مورد(۰٪)، کم‌ترین نمود شاخص‌های مشارکت را در گلستان سعدی داشته‌اند.

اختلاف میان درصدها به بیش از ۹٦٪ می‌رسد. شاخص مشارکت اجتماعی بیش از ۹٦ ٪ کل نمود شاخص‌های مشارکت را در گلستان دارد، درحالی که مشارکت مدنی در گلستان بازتابی ندارد. شاخص مشارکت اجتماعی در سطح همراهی، گاه برای مشارکت در کاری یا موضوعی و کسب منفعت و بهرمندی از مزایای آن صورت می‌گیرد وگاه سعدی افراد ناآگاه را به همراهی و مشارکت با افراد آگاه فرا می‌خواندو گاه سبب مشارکت در سطح همراهی در نظر سعدی لذت و جاذبه‌های عشق است. همراهی و مشارکت در گلستان گاهی هم در حد گفتار و اعلام نظر است. این نوع از مشارکت در واقع مشارکتی کلامی و مشورتی است. سعدی گاه همراهی افراد همراه را یک همراهی واقعی نمی‌داند و آن را اقدامی از سر ناآگاهی و یا مشارکت اجباری قلمداد می‌کند. سعدی یکی از عوامل اساسی مشارکت جمعی و همراهی عمومی را وجود درد مشترک می‌داند و در نهایت این که سعدی گاهی هم برای همراهی و مشارکت نمونه‌هایی را از همراهی و مشارکت امور جاری در طبیعت و یا موجودات غیرانسانی ذکر می‌کند که برای مقصد و مقصودی خاص با هم همراهی و هماهنگی دارند و در واقع به شکلی از مشارکت اجباری در طبیعت اشاره می‌کند.

برای شاخص مشارکت اجتماعی در امور سازماندهی‌شده نیز در گلستان به فعّالیّت و مشارکت جمعی از اهل روزگار اشاره شده است که سعدی آنان را شریک راحت و رنج هم توصیف می‌کند. حکایتی در باب مشارکت سازمان‌یافته وجود دارد که به دلیل انتخاب نادرست جانشین پادشاه ارکان دولت به شکل سازماندهی شده از حاکمیّت ملّی بریدند و کشور را تجزیه کردند.

مشارکت اجتماعی در امور مذهبی در آغار دیباچه‌ی گلستان، سعدی مخاطب را با یادآوری نعمت حیات و زیبایی قرب الهی به مشارکت در شکرگزاری و ستایش خداوند به عنوان امری واجب فرامی‌خواند و نیز به مشارکت اجزای طبیعت برای خدمت به بشر پرداخته و با بیان

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

نمونه‌ای از این مشارکت اجباری اجرام و اجزای طبیعت، ندای همنوایی و مشارکت انسان‌ها را در انجام تکالیف مسلمانی یادآور می‌شود.

در مورد شاخص انسجام اجتماعی سعدی رعایت حال رعیّت کردن را از مبانی انسجام اجتماعی دانسته و حکومت را از ظلم و ایجاد ناخشنودی رعیت برحذر داشته است چون آنان مایه‌ی استحکام بنیان‌های حکومت هستند این نوع از تعامل، مشارکتی دوسویه است که فایده‌ی آن هم برای حاکمیت و هم برای رعیّت دانسته است.

نتیجه‌گیری

سعدی در کتاب گلستان جامعه‌ی واقعی و موجود عصر خود را ترسیم نموده است. این پژوهش ما را به انعکاس مشارکت اجتماعی در جامعه‌ی عصر سعدی آگاه می‌کند. در بررسی کتاب گلستان سعدی، ۲۹ مورد از ابیات و عبارات آن در باب‌های مختلف به مشارکت و مفاهیم آن اشاره دارد که به نسبت دیگر مؤلّفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی موجود در کتاب تنها ۱۱/۳۷٪ از مؤلّفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی موجود در آن به مبحث مشارکت اختصاص دارد. این آمار بیانگر این است که در جامعه‌ی عصر سعدی همکارهای جمعی و مشارکتی در سطح بسیار پایینی قرار داشته است.

در جایگاه بسامدی در میان مؤلّفه‌های سرمایه اجتماعی، مشارکت بعد از هنجارگرایی و اعتماد قرار دارد. مشارکت انعکاس یافته در گلستان در سطح خُرد مشارکت ارزیابی می‌شود؛ یعنی مشارکت فرد برای بهره‌برداری از سرمایه‌ی اجتماعی است.

مشارکت اجتماعی ایده‌ال جامعه‌ی عصر سعدی از نوع مشارکت ابزاری است که بالاترین بسامد را در گلستان داشته است و نشانه‌ای از جامعه‌ی فرصت طلب و منفعت‌جوی آن روزگار است که به دلیل فضای ناگوار سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه متأسفانه به مبانی اخلاقی، فرهنگی و همبستگی اجتماعی جامعه صدمات فراوانی وارد شده که ترغیب فراوان سعدی در گلستان و بوستان به تعاون و دگریاری به همین دلیل است. گلستان اثری ادبی و ترکیبی از نظم و نثر است و برای انتقال اخلاقیات و ارزش‌های مادی و معنوی و انسانی بسیار ارزشمند است و می‌تواند در ایجاد و تقویت سرمایه‌ی اجتماعی برای جامعه‌ی ایرانی ما کمک مؤثری باشد. بررسی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

بازتاب مشارکت اجتماعی در دیگر آثار ادب فارسی و مقایسه‌ی آن‌ها با یکدیگر می‌تواند اطلاعات با ارزشی را از گذشته‌ی فرهنگی، اجتماعی و ادبی ایرانیان منعکس نماید.

یادداشت

[۱]هنگام وزش بادها بر مرغزار شاخه‌های بان(درختی خوشبو) به رقص و حرکت درمی‌آیند نه سنگ سخت.

[۲]باغی که آب جویبارش گوارا بود و درختانی که آواز پرندگان آن موزون و خوش آهنگ بود.

[۳]قطره‌ها چون با هم یکی شود، نهر گردد و نهرها چون به هم پیوندد دریایی پدید آید.

[٤]اگر بر ستوران سوار نیستمبرای شما به عنوان غاشیه‌کش خدمت و کوشش خواهم کرد.(غاشیه پوششی بوده که وقتی بزرگی از اسب پیاده می‌شد،بر زین اسب او می‌کشیدند و غاشیه کش همان حمل‌کننده‌ی غاشیه است).

[۵]ای خاندان داود شکر به جای آرید و اندکی از بندگان من شکرگزارند(قرآن،۱۳:۳٤).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

منابع و مآخذ:

۱. قرآن کریم، سوره سبا، آیه ۱۳.

۲. احمدی انارمرزی، ارسلان(۱۳۹۰) «**بررسی مؤلّفه‌های سرمایه‌ی‌اجتماعی در تاریخ بیهقی و قصاید ناصر خسرو**» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مازندران.

۳. ازکیا، مصطفی وغفاری، غلامرضا(۱۳۸۰)**توسعه‌ی روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران**، تهران: نشر نی.

٤. امیر کافی، مهدی(۱۳۸۰) «اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن»، **فصلنامه‌ی نمایه پژوهشی**، سال پنجم، شماره‌ی ۱۸، صص ۱۳۲-۱٤٥.

٥. انوری، حسن(۱۳۹۳). **فرهنگ روز سخن**،تهران:سخن.

٦. پاتنام، روبرت(۱۳۸۰) **دموکراسی و سنت‌های مدنی**، ترجمه‌ی تقی دلفروز،تهران: روزنامه‌ی سلام.

۷. _____ (۱۳۸۹) «جامعه برخوردار، سرمایه‌ی اجتماعی و زندگی عمومی»**مجموعه مقالات سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه**، به کوشش کیان تاجبخش، تهران: شیرازه، صص ۹٥-۱۰۰.

۸ _____(۱۳۹۲). **دموکراسی و سنت‌های مدنی**، ترجمه‌ی محمدتقی دلفروز، تهران: جامعه‌شناسان.

۹. تاج‌بخش، کیان(۱۳۸۹)**سرمایه‌ی‌اجتماعی**،تهران: شیرازه.

۱۰. جاوید، محمدجواد و اصغر ایزدی جیران(۱۳۸۹)**سرمایه‌ی اجتماعی و وضعیت آن در ایران**، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۱۱. خلیلی، محسن(۱۳۸۷) «سرمایه‌ی اجتماعی در تاریخ بیهقی»، **مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد**، سال چهل و یکم، شماره‌ی پی در پی ۱٦۰صص۷۳- ۱٥۱.

۱۲. خورسندی طاسکوه، علی(۱۳۸۹) «سرمایه‌ی اجتماعی و آموزش سرمایه‌زا»، **سرمایه‌ی اجتماعی و وضعیت آن در ایران**،تهران،: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۱۳. رکابدار، لیلا(۱۳۹۰)«**بررسی مؤلّفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در داستان‌نامه‌ی بهمنیاری**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مازندران.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

۱٤. زارع شاه‌آبادی، اکبر و محمد نوریان نجف(۱۳۹۱) «بررسی رابطه‌ی اعتماد اجتماعی با مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه یزد»، **دو فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه**،دوره‌ی ۱، شماره‌ی اوّل، صص٤٧- ٦٩.

۱۵. سعدی، شیخ مصلح الدین (۱۳۹۳)**گلستان**، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.

۱٦. سیف‌الهی، سیف‌الله(۱۳۷۳)**جامعه‌شناسی(اصول، مبانی و مسائل اجتماعی)**، مشهد: نشر مرندیز.

۱۷. فیروزآبادی، سیداحمد و حسین ایمانی جاجرمی(۱۳۸۵) «سرمایه‌ی‌اجتماعی و توسعه‌ی اقتصادی- اجتماعی در کلان شهر تهران»، **رفاه اجتماعی**، شماره‌ی ۲۳، صص۱۹۷- ۲۲٤.

۱۸. فیلد، جان(۱۳۸۵) **سرمایه‌ی اجتماعی**، ترجمه‌ی احمدرضا اصغر پور، مشهد: دانشگاه فردوسی.

۱۹. قاسمی، وحید ، اسماعیلی، رضا و ربیعی، کامران(۱۳۸۵) «سطح‌بندی سرمایه‌ی‌اجتماعی در شهرستان‌های استان اصفهان»**رفاه اجتماعی**،دوره‌ی ٦ شماره‌ی ۲۳، صص۲۲۵-۲٤۸.

۲۰. متفکرآزاد، محمّدعلی، صادقی، سید کمال، کریمی تکانلو، زهرا، رنج‌پور، رضا و روستا، زهره(۱۳۹۳) «بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی‌اجتماعی و بهره‌وری کل عوامل تولید در ایران» **دو فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه**، سال سوم، شماره‌ی اوّل، صص ۱۳۹- ۱٦۳.

۲۱. محسنی، مرتضی، جانعلی‌زاده، حیدر و رکابدار، لیلا(۱۳۹۲) «ماهیت و جایگاه انواع مشارکت اجتماعی در ضرب‌المثل‌های داستان‌نامه‌ی بهمنیاری»، **فصلنامه‌ی مطالعات توسعه فرهنگی اجتماعی**، دوره‌ی دوم، شماره‌ی ۱، صص۱۰۱- ۱۲۷.

۲۲. مشایخی، حمیدرضا و احمدی انارمرزی، ارسلان ۱۳۹۰).«نقدسرمایه‌ی‌اجتماعی و ضد سرمایه‌ی‌اجتماعی درشعرداروگ وآی‌آدم‌هاینیما و سرود باران بدر شاکرسیاب»، **مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی**، شماره‌ی ۲،پیاپی(٦۰/٦) صص٦٦- ۱۳۹.

۲۳. موسوی، میر طاهر(۱۳۸۵) «مشارکت اجتماعی یکی از مؤلّفه‌های سرمایه‌ی‌اجتماعی»**رفاه اجتماعی**، سال ششم، دوره‌ی ٦، شماره‌ی ۲۳، صص٦۷- ۹۲.

۲٤. نصراصفهانی، علی ، انصاری، محمد اسماعیل، شائمی بزرگی، علی و آقا حسینی، حسین(۱۳۹۰) «بررسی سرمایه‌ی اجتماعی سازمانی درسازمان‌های خدماتی استان اصفهان

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

(بارویکرد آموزه‌های مدیریت در آثار سعدی).»، **مجله‌ی جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان**، دوره‌ی ۲۲، شماره‌ی ۱(پیاپی ٤١)، صص ۱۰۷- ۱۳٤.

۲۵. یزدان‌پناه، لیلا(۱۳۸٦) «موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهران» **رفاه اجتماعی**،سال هفتم، شماره‌ی ۲٦، صص ۸۵ -۱۰٤.

*26. Putnam.R.D(2000)**Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community**. New York: SI*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

This document was created with Win2PDF available at http://www.win2pdf.com.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]